

# فقه و اجتهاد

دوفصلنامه تخصصی فقه و علوم وابسته

سال دوم، شماره چهارم

پاییز و زمستان ۱۳۹۴



صاحب امتیاز: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام

مدیر مسئول: آیت الله محمدجواد فاضل لنکرانی

سر دبیر: دکتر حمید ستوده



شورای مشاوران علمی (به ترتیب حروف الفبا):

سید جواد حسینی خواه (استاد حوزه علمیه قم) / محمدجعفر طیبی (مدرس دانشگاه و استاد حوزه علمیه قم) / سید علی علوی قزوینی (دانشیار دانشگاه تهران، پردیس فارابی) / ابوالقاسم علیدوست (دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی) / محمدجواد فاضل لنکرانی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم) / محمدرضا فاضل کاشانی (استاد حوزه علمیه قم) / محمد قانعی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم) / محمدعلی قاسمی (استاد حوزه علمیه قم و مدرس جامعه المصطفی العالمیه) / احمد عرفانی نسب (مدرس دانشگاه) / محمدمهدی مقدادی (دانشیار دانشگاه مفید قم) / سید محمد نجفی یزدی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)



دبیر اجرایی: محسن شیرخانی

ویراستار: محسن عالیشاهی

همکاران مترجم در این شماره: حبیب ساعدی (عربی) - جاوید اکبری (انگلیسی)

نشانی: قم، میدان معلم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، معاونت پژوهش، دفتر فصلنامه فقه و اجتهاد

تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۷۴۹۴۹۴ - ۰۲۵ - دورنگار: ۳۷۷۳۰۵۸۸ - ۰۲۵

قیمت: ۱۵۰۰۰۰ ریال



## الجهاد الذَّبِّي (الجهاد والدفاع عن كيان الإسلام)

الشيخ محمدجواد فاضل لنكراني

٢١١

### الخلاصة

ظهور تنظيم داعش الاجرامي قد مهد ارضية البحث حول قضية الجهاد والشهادة ، ومن الطبيعي ان تنصرف الاذهان والافكار الى الأسس الفكرية للدفاع عن الإسلام والنموذج البارز لذلك ثورة سيد الشهداء عليه السلام وتوصلنا في هذا المقال الى نتيجة وهي ان ثورة الامام الحسين عليه السلام غير مبنية على اساس الامر بالمعروف والنهي عن المنكر باصطلاحه الفقهي، وانما هي مبنية على اساس الدفاع عن كيان الاسلام فتورته عليه السلام تدخل تحت عنوان الجهاد الذبي والجهاد الذبي يختلف كثيراً عن الاجهاد الابتدائي والجهاد الدفاعي ويدل على هذا النوع من الجهاد ادلة متنوعة الا انه على كل حال يدخل تحت عنوان الجهاد والاحكام الفقهية للشهداء تجري على المدافعين ايضاً.

الكلمات الرئيسية: الدفاع الذبي، الجهاد، داعش، الثورة الحسينية، الشهيد.



## **Jihad Zabbi** **(Jihad and Defense of Islam)**

Muhammad Jawad Fazel Lankarani

### **Abstract**

The emergence of the brutal and rigid Da'esh (ISIS) group has given rise to yet another discussion concerning Jihad and martyrdom causing thinkers and scholars to focus on the intellectual foundations of defense of Islam as well as on certain manifestations of such defense such as, most notably, the uprising of the Chief of Martyrs, Imam Hussein (AS). Having examined the uprising led by Imam Hussein (AS) the author concludes that his uprising was not based on the principle of enjoining good and forbidding evil in its more specific jurisprudential sense; rather it was based on the principle of the defense of Islam and was carried out under Zabbi (protective) Jihad which is different from offensive Jihad and defensive Jihad as evidenced in various scriptural sources. In any case, Zabbi Jihad comes under the category of Jihad and the jurisprudential rules regarding martyrs will also apply to defenders.

**Keywords:** Defensive Jihad, Jihad, Da'esh (ISIS), uprising, Imam Hussein (AS), martyr.

۲۲۰  
فقه و اجتهاد / سال دوم، شماره چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۹۴



## جهاد ذبی (دفاع از کیان اسلام)

محمدجواد فاضل لنکرانی \*

### چکیده

تشکیل گروه‌های تروریستی - تکفیری نظیر داعش از جدیدترین نقشه‌های اسلام‌ستیزی جبهه استکبار به شمار می‌رود. این گروه‌های افراطی که خود را تحت لوای اسلام و حتی به نام دولت اسلامی معرفی می‌نمایند، با هجوم به مسلمانان و سرزمین‌های ایشان درصدد نابودی کیان اسلامی برآمده و تهدیدی جدی برای بنیان اسلام محسوب می‌شوند. از این رو لازم است این مسئله مهم بر پایه آموزه‌های دینی و موازین فقهی مورد ملاحظه و بررسی دقیق قرار گیرد و دیدگاه فقه اهل بیت علیهم‌السلام در خصوص آن تبیین شود.

بدین منظور، نوشتار حاضر با بررسی ماهیت قیام امام حسین علیه‌السلام و تشریح آن در قالب جهاد ذبی به تبیین احکام و شرایط این نوع جهاد و تفاوت آن با جهاد ابتدائی پرداخته و از همین رهگذر بر وجوب دفاع از مسلمانان و کیان اسلامی و مبارزه با گروه‌های تکفیری نظیر داعش تحت عنوان جهاد ذبی تأکید شده است. واژگان کلیدی: قیام امام حسین علیه‌السلام، جهاد ذبی، امر به معروف و نهی از منکر، کیان اسلام، جهاد ابتدائی.

\* استاد درس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم و رئیس محترم مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم‌السلام.  
تحقیق و تنظیم مهدی اخلاصی (پژوهشگر مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم‌السلام)

## مقدمه

جنگی که در سال‌های اخیر در عراق و سوریه رخ داد و به رویارویی با جریان‌های باطل و خطرناک به نام داعش منجر گردید، جریان‌ی بود که به نام اسلام‌ظهور کرده و ادعای احیاء خلافت اسلامی را داشت، در حالی که در واقع زائیده‌ی کفر و هدف نهایی آن نابودی اسلام و جامعه‌ی مسلمانان بود. این گروه تکفیری با ارائه‌ی چهره‌ای ناسازگار و خوفناک از دین موحی از نگرانی، سوءبرداشت‌ها و اتهامات را علیه اسلام و مسلمانان رقم زد، بنابراین در چنین شرایطی مقابله با این خطر از وظائف اساسی دنیای اسلام به شمار می‌رود. پرسش اصلی که در این میان مطرح است این‌که امت اسلامی چگونه می‌تواند با استمداد از ظرفیت‌های عظیم خود به مقابله با این گروه افراطی پردازد؟ به دیگر سخن مسئله‌ای که بنیان پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد ارائه‌ی راه‌کاری مناسب با توجه به مبانی فقهی، برای مواجهه با این هجوم وحشیانه است. بر این اساس، با واکاوی قیام سیدالشهداء علیه السلام به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین جلوه‌های دفاع از سیادت اسلام و با بررسی برخی دیدگاه‌ها، به تبیین ماهیت و اهداف آن پرداخته و در این راستا نگاهی به صدور فتوای جهاد بر علیه این گروه افراطی از سوی مرجعیت شیعه خواهیم داشت.

### ۱. ماهیت جهادی قیام امام حسین علیه السلام

واقعه عاشورا نه تنها یک رویداد تاریخی، بلکه حادثه‌ای بنیادین و عزت‌محور است، به طوری که حفظ و تداوم اسلام اصیل از اهداف این حرکت شکوهمند به شمار می‌رود. بر همین اساس بررسی ماهیت و آثار حیات‌بخش این قیام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. سؤال اساسی که لازم است در این مجال مورد بررسی قرار گیرد این است که آیا نهضت حسینی بر اساس امر به معروف و نهی از منکر به معنای فقهی آن صورت پذیرفت و یا این‌که علت حقیقی آن دفاع از کیان اسلام بود؟ و به عبارت دیگر آیا این قیام را می‌باید از باب امر به معروف و نهی از منکر نگریست و با توجه به شرایط این مسئله فقهی حادثه فوق را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و یا این‌که این اقدام اصلاح‌گرانه بر مبنای جهاد و دفاع

از حاکمیت و سیادت اسلام به وقوع پیوست؟

روایات و نصوص تاریخی گویای این مطلب است که هدف از این قیام دفاع از کیان و اساس اسلام بوده و نمی‌توان آن را تنها در قالب یک مسئله فقهی، همانند امر به معروف و نهی از منکر خلاصه نمود و مقصود از این‌که امام حسین علیه السلام در بیان هدف خود فرمودند: «من می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر نمایم» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴، ص ۳۲۹)؛ امر به معروف و نهی از منکر جزئی و فقهی نمی‌باشد، بلکه مراد از آن خود دین است؛ زیرا هیچ معرفی مهم‌تر از احیاء اصل دین و هیچ منکری بزرگ‌تر از نابودی آن نیست.

## ۲. مستندات ماهیت جهادی قیام امام حسین علیه السلام

در این قسمت مهم‌ترین ادله‌ای که ماهیت قیام امام حسین علیه السلام را جهاد ذبی و دفاع از کیان اسلام معرفی می‌کند، بررسی شود.

### ۲-۱. فقدان شرایط فقهی امر به معروف و نهی از منکر

تحقق امر به معروف و نهی از منکر مقید به دو شرط اساسی است که هیچ‌کدام از این دو شرط در نهضت امام حسین علیه السلام وجود ندارد، این نشان می‌دهد که هدف از این قیام عظیم، دفاع از کیان و اساس اسلام بوده است. در ادامه با بررسی این دو شرط مدعای فوق وضوح بیشتری خواهد یافت.

#### ۲-۱-۱. لزوم علم به تأثیر

از جمله شروطی که در امر به معروف و نهی از منکر معتبر دانسته شده، علم به تأثیر این عمل است بدین معنا که این فریضه در صورتی واجب است که علم و یا احتمال اثرگذاری وجود داشته باشد؛ لذا در صورتی که شخص بداند عمل او تأثیری در مخاطب نخواهد داشت، اقدام به این کار بر وی واجب نیست. فقهای بسیاری همچون محقق حلی در شرایع (۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۳۴۲)، علامه حلی در تحریر (۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۲۴۱)، شهید اول در دروس (۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۴۷)، شهید ثانی در مسالک (۱۴۲۵ق، ج ۳، ص ۱۰۲) و محقق اردبیلی رحمته الله علیه در مجمع الفائدة (۱۴۰۹ق، ج ۷،

ص ۵۳۶) به این مطلب تصریح، و بیان کرده‌اند که اگر مکلف ظن به عدم تأثیر داشته باشد، امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست و تکلیف از عهده او ساقط می‌شود؛ بلکه حتی در صورت تساوی احتمال تأثیر و عدم تأثیر، حکم به عدم وجوب نموده‌اند. البته برخی از فقیهان مانند امام خمینی رحمته الله علیه (۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۴۴۴) و آیت‌الله فاضل لنکرانی رحمته الله علیه (۱۴۳۰ق، ص ۵۲) صرف وجود احتمال عقلانی را کافی دانسته و باوجود ظن به عدم تأثیر، آن را واجب می‌دانند.

در این میان، روایات متعددی نیز بر لزوم این شرط دلالت دارند که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌نماییم:

روایت اول: «هر کس متعرض پادشاه ستمگری شود و دچار گرفتاری گردد، پاداشی برای آن نخواهد داشت و از اجر صابران بی‌بهره خواهد بود» (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۶، ص ۱۲۷).

روایت دوم: «امر به معروف و نهی از منکر، تنها بر عهده شخص نیرومندی است که از او اطاعت می‌شود». (همان، ص ۱۲۶).

روایت سوم: «فردی که مورد امر به معروف و نهی از منکر قرار می‌گیرد یا مؤمن است که موعظه می‌پذیرد و یا جاهل بوده که می‌آموزد، اما آن‌کس که دارای تازیانه یا شمشیر است، نه» (مورد امرونی واقع نمی‌شود). (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۵، ص ۶۰)

روایت چهارم: مسعدة بن صدقه می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که در مورد معنای حدیث نبوی «إِنَّ أَفْضَلَ الْجِهَادِ كَلِمَةُ عَدْلٍ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ» فرمود: «حدیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ناظر به صورتی است که امر خود عدالت را شناخته و حاکم جائر نیز از او بپذیرد، در غیر این صورت نه». (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۶، ص ۱۲۷)

روایت پنجم: «هر یک از شما باید به منزله طبیب درمان‌گر باشد، اگر دید جایگاهی برای درمان وجود دارد [درمان کند]، وگرنه دست نگاه دارد» (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۸، ص ۳۴۵؛ حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۶، ص ۱۲۸).

## ۲-۱-۲. عدم وجود ضرر نفسی یا مالی

شرط دیگری که این فریضه در وجوب خود نیازمند آن است، ایمن بودن آمر و یا ناهی از ضرر نفسی، یا مالی و یا حیثیتی است، لذا در صورت وجود خطر، امر

به معروف و نهی از منکر واجب نخواهد بود. در متون فقهی نیز به این امر تصریح شده است (علامه حلی ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۲۴۱؛ محقق حلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۳۴۲؛ شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۴۷؛ شهید ثانی، ۱۴۲۵ق، ج ۳، ص ۱۰۲؛ محقق اردبیلی، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۵۳۶). در برخی از روایات نیز به لزوم ضرری نبودن امر به معروف و نهی از منکر اشاره شده است که جهت اختصار به ذکر یک نمونه بسنده می‌شود. امام رضا علیه السلام فرمودند: «امر به معروف و نهی از منکر در صورتی واجب است که ممکن بوده و ترسی بر جان وجود نداشته باشد» (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۱۲۱؛ حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۶، ص ۱۲۹).

با عنایت به آنچه در سطور گذشته آمد به روشنی می‌توان دریافت که هدف و علت اصلی نهضت مقدّس حسینی، دفاع از کیان اسلام بوده است و نمی‌توان آن را بر پایه امر به معروف و نهی از منکر فقهی و جزئی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد؛ اگرچه اموری همچون تشکیل حکومت و یا امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند به عنوان داعی و انگیزه و یا جزئی از علت برای رسیدن به آن هدف تلقی شود؛ اما عنوان اصلی و کلیدی که نهضت امام حسین علیه السلام بر مدار آن می‌چرخد و بیان‌گر هدف نهایی ایشان است، چیزی جز دفاع از دین و ارزش‌های اسلامی نمی‌باشد.

ممکن است گفته شود از آنجایی که امام حسین علیه السلام خود مصدر تشریح می‌باشند، طرح این شرایط در مورد عمل ایشان معنایی ندارد و به عبارت دیگر عمل صادرشده از امام حسین علیه السلام خود بر عدم اعتبار این شرایط در امر به معروف و نهی از منکر دلالت می‌کند.

اما در پاسخ باید گفت: مواردی که به عنوان شرایط امر به معروف و نهی از منکر از آن‌ها یاد می‌شود همگی برگرفته از کلمات امام باقر و امام صادق علیه السلام است و این دو بزرگوار با آگاهی از این امر (قیام) چنین شرایطی را بیان فرموده‌اند.

## ۲-۲. کاربرد جهاد در کلمات فقها

از آنجایی که کفار و بیگانگان پیوسته در صدد نابودی حاکمیت اسلام و محو هویت دینی مسلمانان هستند، وظیفه هر مسلمانی دفاع از کیان اسلام و حفظ امنیت شهرهای اسلامی است و چنین دفاعی نیز مشروط به اموری همچون علم



یا احتمال تأثیر و یا ایمن بودن از ضرر نفسی و یا مالی نیست و به عبارت دیگر دفاع از موجودیت اسلام واجب است، گر چه به قربانی شدن نفس یا اموال منتهی شود و بر همین اساس برخی از فقها از مبارزه مسلمانان در حالت مذکور بانام جهاد یاد کرده و چنین دفاعی را از اقسام جهاد برشمرده‌اند، مانند:

۱. علامه حلی رحمته الله علیه می‌فرماید: «... مگر آن‌که مسلمانان مورد حمله دشمنی قرار بگیرند که از جانب او بر نفس و مال ترسیده شود و خوف بر کیان اسلام ایجاد گردد. پس هرکسی که توانایی داشته باشد، واجب است که جهاد کند، چه امام به او اذن داده باشد یا نه، و خواه کم باشند یا زیاد. همچنین برای هیچ‌کس تخلف از این کار جایز نیست، مگر این‌که نیازی به ماندن او باشد. مثلاً برای حفظ مکان یا اهل و مال بماند و به جهاد نرود» (۱۴۱۹ق، ج ۹، ص ۴۸، مسأله ۱۹). همچنین ایشان در *منتهی‌المطلب* نیز همین مطلب را تحت عنوان «جهاد در برابر دشمنی که از جانب او کیان اسلام تهدید می‌شود» بیان نموده است. (همو، ۱۴۳۰ق، ج ۱۴، ص ۲۸)

۲. *فخر المحققین* نیز می‌نویسد: «جهاد در صورتی که پیامبر صلی الله علیه و آله و امام مسلمین علیهم السلام یا نایب او بدان دعوت کند، یا خوف بر کیان اسلام وجود داشته باشد، واجب می‌شود». (۱۴۱۱ق، ص ۸۳)

۳. شهید اول رحمته الله علیه می‌فرماید: «در صورت دعوت امام عادل یا نایب او جهاد واجب می‌گردد و جهاد با ستمگر نیز در حالت اختیار جایز نیست، مگر این‌که خوف نابودی کیان اسلام (اصل و مجتمع اسلام) و یا ترس از نابودی گروهی از مسلمانان وجود داشته باشد. در این صورت، دفاع بر کسانی که به آنان نزدیک‌اند، واجب است» (۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳۰). در کتاب *اللمعة الدمشقیة* نیز همین مطلب آمده است (شهید اول، ۱۴۰۶ق، ص ۴۴).

۴. کاشف الغطاء رحمته الله علیه در تقسیم‌بندی انواع جهاد می‌نویسد: «جهاد از جهت اختلاف متعلقاتش به پنج نوع تقسیم می‌گردد:  
یک. جهاد برای حفظ کیان اسلام.

دو. جهاد برای دفع افراد ملعون از تسلط بر خون و عرض مسلمانان و جلوگیری از زنا کردن آن‌ها با زنان مسلمان و لواط کردن با فرزندان مسلمین.  
سه. جهاد برای دفع افراد ملعون از مسلمانانی که با گروهی از کفار درگیر شده‌اند.

چهار. جهاد برای دفع آنان از بلاد مسلمین و شهرها و زمین‌های ایشان.  
پنج. جهاد با کفر و رفتن به سوی محل‌های ایشان برای بازگرداندن آنان به اسلام و اذعان به آنچه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آورده است» (۱۴۲۲ق، ج ۴، صص ۲۸۷ - ۲۸۸)  
۵. سید محمد هادی میلانی رحمته الله علیه می‌فرماید: «آنچه از کلام فقها برداشت می‌شود، این است که جهاد بر دو قسم است:

قسم اول، آن است که مسلمانان برای دعوت به اسلام جهاد را آغاز کنند. این جهاد شرایط متعددی دارد و وجوب آن کفایی است و زنان، افراد مریض، نابینا و کنگ نیز از آن استثنا شده‌اند.

قسم دوم، دفاع از کیان اسلام یا جلوگیری از استیلا بر سرزمین مسلمانان است. این قسم بر حر و عبد، مرد و زن، سالم و بیمار واجب است و متوقف بر حضور یا اذن امام علیه السلام نیست و به کسی که کفار قصد او را کرده‌اند نیز اختصاص ندارد؛ بلکه بر هرکسی که آگاه به وضعیت باشد و نداند که آیا کسانی که مورد قصد قرار گرفته‌اند، توانایی مقاومت دارند یا نه، واجب است» (۱۳۹۵ق، ص ۲۴)

از مجموع نظراتی که بیان گردید می‌توان نتیجه گرفت که جهاد بر دو قسم است:  
قسم اول، جنگیدن در راه خدا برای دعوت به اسلام و اعتلای نام آن است. این نوع از جهاد که به جهاد ابتدائی معروف بوده، مشروط به چند شرط است، از جمله این که اذن امام علیه السلام یا نایب خاص او لازم بوده و ظاهراً این جهاد به‌عنوان یک واجب کفایی مطرح است.

قسم دوم، جهاد برای دفاع از کیان اسلام است. این جهاد یک واجب عینی است که منوط به اذن امام علیه السلام نبوده و در آن تفاوتی میان مرد و زن، بیمار و سالم وجود ندارد.

در این نوشتار از این دفاع یا جهاد با نام جهاد ذبی یاد می‌نماییم و در ادامه به تبیین بیشتر آن می‌پردازیم.

### ۱-۲-۲. تفاوت‌های جهاد ذبی و جهاد ابتدائی

جهاد ابتدائی از دیگر اقسام جهاد به شمار رفته و به معنای جنگی است که آغازگر آن مسلمانان می‌باشند. میان این نوع جهاد و جهاد ذبی که به قصد دفاع از

کیان اسلام صورت می‌پذیرد، تفاوت‌هایی وجود دارد که به آن‌ها اشاره می‌نماییم:

۱. جهاد ابتدائی یک واجب کفائی است، برخلاف جهاد ذبی که واجب عینی به حساب می‌آید.

۲. جهاد ابتدائی متوقف بر دعوت از کفار جهت تحقیق دربارهٔ اسلام و تفکر پیرامون حقائق آن است، برخلاف جهاد ذبی که متوقف بر چنین امری نیست.

۳. در نظر مشهور فقها، جهاد ابتدائی منوط به حضور معصوم علیه السلام است و جنگیدن با ستمگر به صورت اختیاری جایز نیست، اما جهاد ذبی در زمان غیبت نیز واجب بوده و تحقق آن نیازمند حضور امام علیه السلام نمی‌باشد؛ لذا اگر کسی خطری را در مورد کیان اسلام احساس نماید، دفاع بر او به هر شیوه‌ای واجب است. (البته این احساس خطر، امری شخصی نبوده و به نحوی است که هر فرد دیگری در آن شرایط قرار گیرد، او نیز چنین خطری را احساس می‌نماید).

۴. به نظر می‌رسد قُرب و بُعد مکانی از دیگر تفاوت‌های این دو جهاد باشد،

۱۳

جهاد ذبی (دفاع از کیان اسلام)

به طوری که جهاد ابتدائی با کفاری واجب است که از نظر مکانی به مسلمانان نزدیک‌اند، لذا نسبت به سائر کفار در مناطق دور، چنین جهادی مطرح نیست، اما این دوری و نزدیکی در جهاد دفاعی نقشی نداشته و جهاد بر علیه دشمنان اسلام در هر منطقه‌ای از جهان واجب است و تنها در کسانی که به وطن مسلمانان حمله می‌کنند، منحصر نیست.

۵. هدف از جهاد ابتدائی ترویج شریعت اسلام و مسلمان شدن کفار است، در

حالی که دفاع از اسلام و هویت مسلمانان هدف از جهاد ذبی به شمار می‌رود.

۶. از دیگر تفاوت‌ها، مسئله اذن والدین است به طوری که در جهاد ذبی

موافقت والدین اعتباری ندارد، بلکه حتی اگر ایشان، فرزند خود را از شرکت در جهاد منع نمایند، اثری نداشته و جهاد واجب است.

محقق عراقی در این زمینه می‌نویسد: «شکی نیست که دفاع در صورت ناکافی

بودن مجاهدین واجب است، حتی اگر والدین مکلف او را منع نمایند، به گونه‌ای که مخالفت با ایشان موجب اذیت آن‌ها شود؛ زیرا اهمیت حفظ کیان اسلام و

نوع مسلمانان بسیار بیشتر از حرمت آزار والدین است». (۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۳۳۸)

### ۳. مبانی وجوب جهاد ذبی و حفظ کیان اسلام

فقیهان برای لزوم حفاظت از موجودیت اسلام و جلوگیری از اضمحلال جامعه مسلمانان به ادله متعددی تمسک نموده‌اند، که در ادامه به برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود.

#### ۳-۱. آیات قرآن

بخشی از آیات قرآن کریم به موضوع جهاد دفاعی اختصاص دارد که در اینجا به برخی اشاره می‌کنیم.

آیه اول: ﴿وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾ و اگر خدا بعضی از مردم را با بعضی دیگر دفع نمی‌کرد، صومعه‌ها و کلیساها و کنیسه‌ها و مساجدی که نام خدا در آن‌ها بسیار برده می‌شود، سخت ویران می‌شد، و قطعاً خدا به کسی که [دین] او را یاری می‌کند، یاری می‌دهد، چراکه خدا سخت نیرومند شکست‌ناپذیر است. (حج: ۴۰)

مدلول مطابقی این آیه شریفه بر وجوب دفاع از اماکن مقدس دلالت دارد و از مدلول التزامی آن نیز حرمت تخریب و نابود کردن این اماکن استفاده می‌شود. همچنین از راه اولویت قطعی می‌توان فهمید که اگر اصل اسلام در خطر باشد، دفاع کردن از آن به هر شیوه ممکن واجب است. شاهد بر این مدعی روایتی است که از امام صادق علیه السلام در ذیل آیه شریفه ﴿أَذِنَ لِلَّذِينَ يَقَاتِلُونَ بِأَنفُسِهِمْ ظُلْمًا﴾؛ به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده، رخصت [جهاد] داده شده است، چراکه مورد ظلم قرار گرفته‌اند (حج: ۳۹) وارد شده است که می‌فرماید: «يقاتل مؤمنوا كل زمان». مؤمنان هر زمان، [اذن] داده شده‌اند و [می‌توانند] بجنگند. (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۵، صص ۳۴-۴۰)

آیه دوم: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، با کافرانی که مجاور شما هستند کارزار کنید، و آنان باید در شما خشونت بیابند، و بدانید که خدا با تقوایپیشگان است<sup>۱</sup> (توبه: ۱۲۳)

۱. در این آیه مراد از «یلونکم» قرب و نزدیکی است: یعنی خداوند متعال به مبارزه با کسانی دستور داده که به مسلمانان نزدیک‌ترند.

از دیگر آیاتی که برای لزوم دفاع از اسلام به آن استدلال شده آیه مذکور می باشد، محقق طبرسی رحمته الله علیه می نویسد: با توجه به این آیه بر اهل هر شهری که بر کیان اسلام می ترسند، دفاع واجب است، هر چند امام عادل در آنجا نباشد. (طبرسی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۱۳۲)

اما استدلال به این آیه برای اثبات وجوب جهاد دفاعی قابل مناقشه است، زیرا بیشترین چیزی که آیه بر آن دلالت دارد لزوم جهاد ابتدائی است، مگر این که صرف نزدیکی کفار به مسلمانان از موجبات ترس بر کیان اسلام قلمداد شود. آیه سوم: ﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ﴾؛ با آنان بجنگید تا دیگر فتنه ای نباشد، و دین، مخصوص خدا شود. (بقره: ۱۹۳)

از این آیه چنین برمی آید که وجوب قتال و جهاد تنها برای دفاع از دین، بقاء، نشر و توسعه آن تشریح شده است و از همین رهگذر نیز روشن می گردد که هدف اساسی و نهایی از مشروعیت جهاد ابتدائی نیز کشورگشایی نبوده؛ بلکه خارج کردن مردم از سلطه کفر و جمع نمودن آنان در زیر پرچم دین، رسالت چنین جهادی است،<sup>۱</sup> بر این اساس می توان گفت که آیات جهاد و پیکار قوی ترین دلیل بر وجوب حفظ کیان اسلام هستند.

آیه چهارم: ﴿وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا \* الَّذِينَ آمَنُوا يِقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يِقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا﴾؛ و چرا شما در راه خدا [و در راه نجات] مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی جنگید؟ همانان که می گویند: «پروردگارا، ما را از این شهری که مردمش ستم پیشه اند بیرون ببر، و از جانب خود برای ما سرپرستی قرار ده، و از نزد خویش یآوری برای ما تعیین فرما \* کسانی که ایمان آورده اند، در راه خدا کارزار می کنند. و کسانی که کافر شده اند، در راه طاغوت می جنگند. پس با یاران شیطان بجنگید که نیرنگ شیطان [در نهایت] ضعیف است. (نساء: ۷۵-۷۶)

۱. مؤلف در کتاب جهاد ابتدائی در قرآن به طور مبسوط به این امر پرداخته است.

دلالت آیه فوق نیز بر وجوب حفظ کیان اسلام واضح است؛ زیرا شکی نیست که دفاع از اسلام از بارزترین مصادیق «سبیل الله» به شمار می‌رود.

### ۳-۲. روایات

روایات فراوانی بر وجوب حفظ کیان اسلام دلالت می‌کنند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. طبری در تاریخ خود از ابی مخنف نقل می‌کند که: «حسین بن علی علیه السلام برای اصحاب خود و اصحاب حر در منطقه «بیضه» خطبه خواند. ایشان سپاس خداوند و ثنای او را به‌جای آورد و سپس فرمود: ای مردم، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هرکس سلطان ستمکاری را ببیند که حرام‌های خدا را حلال قرار داده و عهد خدا را شکسته و برخلاف سنت پیغمبر رفتار می‌نماید و در میان بندگان خدا گناه و تجاوزکاری را پیش گرفته، آن گاه به‌واسطه عمل یا گفتاری بر او پرخاش نکند، جای دارد که خدا او را در همان مکانی وارد نماید که سلطان ستمکار وارد می‌شود. ای مردم! اینان (بنی‌امیه و کارگزاران آن‌ها) ملازم اطاعت شیطان شده و اطاعت خدا را ترک کرده، و فساد را آشکار نموده، و حدود را تعطیل، و فیء و غنیمت را به خود اختصاص داده و حلال خدا را حرام و حرام او را حلال کرده‌اند و من سزاوارترین کسی هستم که بر آن‌ها پرخاش کنم... (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۵، ص ۴۰۳)

در این روایت از عموم موصول (من رأی) در کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین استفاده می‌شود که بر هر مسلمانی واجب است با کسی که در صدد تغییر دین خداست، برخورد نماید. همچنین از راه اولویت قطعی می‌توان گفت که اگر کفار در صدد نابودی دین باشند، دفاع از اسلام و مسلمانان واجب خواهد بود.

۲. محمد بن عیسی گوید: در خدمت امام رضا علیه السلام بودیم که یونس بن عبدالرحمان گفت: ای آقای من، آیا اجازه می‌دهید که مسئله‌ای بپرسم؟ امام علیه السلام فرمود: سؤال کن. یونس گفت: مرا درباره مردی از اهل سنت آگاه گردان که مرده و وصیت کرده که از اموالش یک اسب و هزار درهم و یک شمشیر را به مردی بدهند که به‌جای او مرزبانی کرده و در بعضی مرزها بجنگد، اما وصی، اموال را

به مردی از دوستان ما داده و او هم گرفته است اما نمی دانسته که هنوز وقت آن نشده است که برای قتال با دشمن برود. حال شما در این باره چه می فرمایید؟ آیا برای کسی که اینها را گرفته جایز است که به جای آن شخص مرزبانی نماید یا نه؟ امام علیه السلام فرمود: باید آنچه را گرفته به وصی برگرداند و مرزبانی نکند زیرا هنوز وقت این عمل نرسیده است. یونس گفت: آن شخص وصی را نمی شناسد و نمی داند کجاست. حضرت فرمود: جست و جو نماید. یونس پاسخ داد: تحقیق هم کرده ولی نتوانسته او را پیدا کند. وظیفه چیست؟ امام علیه السلام فرمود: اگر چنین است، مرزبانی کند ولی نجنگد. یونس گفت: اگر در حالی که مشغول مرزبانی بود، دشمن رسید و نزدیک است که به خانه اش داخل شود، در این صورت چه کند؟ بجنگد یا نه؟ امام علیه السلام فرمود: در این صورت بجنگد ولی نه به خاطر آنها، بلکه برای دفاع از حریم اسلام جهاد کند. زیرا با رفتن کیان اسلام، نام و یاد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نابود می شود... (حمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۳۴۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۷، ص ۶۲)

این روایات به وضوح بر لزوم دفاع از حاکمیت و سیادت اسلام دلالت می نماید.

۱۷

جهاد دینی (دفاع از کیان اسلام)

### ۳-۳. اجماع

همه مسلمانان اعم از شیعه و سنی بر لزوم حفظ کیان اسلام اتفاق نظر دارند و با توجه به چنین اجماعی می توان گفت: لزوم دفاع از دین در تمامی زمانها از ضروریات دینی بوده است. (نجفی، ۱۴۳۰ق، ج ۲۲، صص ۲۴ - ۲۶)

### ۳-۴. عقل

دفاع از مقدّسات، یک حکم عقلی است و در این میان مقدّسی بالاتر از دین و حفظ شهرهای مسلمانان نیست. بر این اساس عقل لزوم دفاع از اسلام، هویت مسلمانان و شهرهای ایشان را در مقابل هجوم دشمنان درک می نماید.

### ۳-۵. اهمیت حفاظت از دین در نظر شارع

امور حسب امور هستند که شارع راضی به ترک آنها نیست، لذا وجود آنها مطلوب بوده تا در پرتو آن اموال اشخاص صغیر و غائب حفظ شود و بدون تردید حفاظت از دین و دفاع از اسلام به مراتب از حفظ مال صغیر و غائب مهم تر است.

#### ۴. احکام شهدای جهاد ذبی (مدافعین کیان اسلام)

یکی از مهم‌ترین پرسش‌هایی که در هنگام دفاع و تجاوز دشمن مطرح می‌شود درباره غسل و کفن کشته‌شدگان نبرد است، که در ادامه به بررسی این موضوع می‌پردازیم.

##### ۴-۱. عدم نیاز به غسل

رزمندگانی که در جهاد دفاعی به شهادت می‌رسند، همانند مجاهدین جنگ ابتدائی نیازی به غسل نداشته و دفن می‌گردند. محقق ثانی رحمته الله علیه در جامع المقاصد می‌نویسد: «اگر کسی در جهاد مشروع کشته شود، مثلاً مسلمانان از سوی کسی که کیان اسلام را تهدید می‌کند، مورد حمله قرار گرفته و از این رو، به جهاد بدون امام و نائش اضطرار پیدا کنند - نه همچون کسی که در جنگ با راهزنان کشته می‌شود؛ چراکه این جنگ، جهاد برای دفاع از دین شمرده نمی‌شود - در این صورت، اطلاق اخبار و عموم برخی از آن‌ها... اقتضا دارد که این شخص شهید شمرده شود، بدین معنا که این حکم (دفن در لباس خودش و عدم غسل) برای او ثابت باشد. شهید (۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۲۱) و صاحب معتبر (۱۳۶۴ش، ج ۱، ص ۳۱۱) نیز این حکم را برگزیده‌اند و فتوا نیز بر همین است. از مصنف هم میل به این دیدگاه به مشام می‌رسد». (۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۳۶۵)

سید عاملی نیز بعد از ذکر ادله می‌فرماید: «این روایات هرکسی را که در راه خدا کشته شده باشد را شامل می‌شوند و در این میان تفاوتی نیست که فرد در پیش روی امام علیه السلام به شهادت رسیده و یا این که در لشکر مسلمانان در حالی که از جانب دشمنی که اسلام را تهدید می‌کند، مورد حمله واقع شده و به شهادت رسیده باشد». (سید عاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۷۰)

سید یزدی رحمته الله علیه در تحلیل فقهی خود نسبت به مستثنی بودن شهید مدافع از وجوب غسل می‌نویسد: «غسل دادن شهیدی که در معرکه جهاد با حضور امام علیه السلام یا نایب خاص او کشته شده باشد، واجب نیست و کسی که در راه حفاظت از کیان اسلام در زمان غیبت کشته شده به شهید ملحق می‌گردد و تفاوتی هم میان حر و عبد، مقتول با آهن یا غیر آن، عمدی یا خطایی، مرد، زن، کودک یا مجنون



- در صورتی که جهاد بر آنان واجب شده باشد - وجود ندارد. لذا غسل دادن آنان واجب نیست؛ بلکه به همان صورت در لباس‌هایشان دفن می‌شوند، مگر این‌که برهنه باشند که در این صورت، ابتدا کفن شده و سپس دفن می‌گردند». (۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۳۹)

میرزای قمی (۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۳۹۶) سید محسن حکیم (۱۳۹۶ق، ج ۱، ص ۱۰۹، مسئله ۲۴) و محقق خویی (۱۴۲۶ق، ج ۸، ص ۳۷۶) از دیگر فقیهانی هستند که به این حکم تصریح نموده‌اند.

## ۴-۲. ادله سقوط غسل

### ۴-۲-۱. روایات ابان بن تغلب

در روایت حسنه ابان بن تغلب از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند: «کسی که در راه خدا کشته می‌شود با همان لباس دفن شده و نیازی به غسل دادن ندارد». (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۳، ص ۲۱۲؛ حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۵۱۰). در این روایت عنوان «مقتول فی سبیل الله» بر کسانی که در راه دفاع از کیان اسلام به شهادت رسیده‌اند، نیز صادق است و در این میان دلیلی بر انحصار این عنوان در افرادی که به دستور امام عادل یا نایب او به میدان جنگ رفته و شهید شده‌اند، وجود ندارد. محقق حلی در نقد کلام شیخ مفید (۱۴۱۷ق، ص ۸۴) و شیخ طوسی (۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۲۵۶-۲۵۷؛ ۱۳۹۰ق، ص ۴۰) و دیگر قائلین به انحصار می‌نویسد: «آنچه ایشان فرموده‌اند مطلب اضافه‌ای است که از نص فهمیده نمی‌شود.» (۱۳۶۴ش، ج ۱، ص ۳۱۱) محقق خوئی نیز با تمسک به روایت فوق و صحیحه دیگری از ابان بن تغلب<sup>۱</sup> درباره کسانی که در راه حفظ کیان اسلام کشته می‌شوند، می‌نویسد: «چنانچه کفار به شهرهای مسلمین حمله نمایند و مسلمانان از شهرهای خود

۱. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ ابْنِ تَغْلِبٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الَّذِي يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَيْغَسَلُ وَيُكْفَنُ وَيُحْنَطُ؟ قَالَ: يُدْفَنُ كَمَا هُوَ فِي ثِيَابِهِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ بِهِ رَمَقٌ ثُمَّ مَاتَ فَإِنَّهُ يُغَسَلُ وَيُكْفَنُ وَيُحْنَطُ وَيُصَلَّى عَلَيْهِ إِنْ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله عَلَى حَمْرَةٍ وَكَفَّنَهُ لِأَنَّهُ كَانَ قَدْ جَرَّدَ. (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۳، ص ۲۱۰؛ حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۵۰۹).

دفاع کنند تا کیان اسلام حفظ شود، فرد کشته شده در این راه مقتول فی سبیل الله به شمار می‌رود و غسل او واجب نیست، هرچند کشته شدن او در حال جهاد رخ نداده باشد؛ چون روشن است که کار او دفاع محسوب می‌شود، و دلیل بر این مطلب... صحیحه و حسنه ابان است و در ادامه نیز می‌افزاید: «هرچند صدر این دو روایت همه‌کسانی را که در راه خدا کشته می‌شوند را شامل می‌شود، مانند مقتول در راه امر به معروف یا دفاع انسان از خود، اما ذیل این دو روایت که فرمودند: (مگر این‌که مسلمانان وی را پیدا نموده و او هنوز رمق داشته باشد) ظهور در معرکه داشته و حکم را مختص کسانی می‌کند که در میان صفوف قتال و معرکه قتال یا در دفاع کشته شوند. به‌ویژه با ملاحظه تعلیلی که می‌فرماید: رسول خدا ﷺ بر حمزه رضی الله عنه نماز خواندند؛ زیرا این تعبیر دلالتی صراحت گونه بر اختصاص دارد». (۱۴۲۶ق، ج ۸، صص ۳۷۶-۳۷۷)

#### ۴-۲-۲. روایت ابی خالد

از دیگر روایاتی که برای عدم وجوب غسل نسبت به شهدای مدافع به آن استناد شده، روایت ابی خالد است که می‌گوید: «هر مرده‌ای را غسل بده، خواه غریق باشد و یا خوراک درنده شده باشد. هر اتفاقی که افتاده باشد [باید مرده را غسل دهی]، مگر کسی که بین دو صف کشته شده باشد. این شخص اگر رمقی داشته باشد، غسل داده می‌شود، وگرنه غسل لازم ندارد» (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۳، ص ۲۱۳؛ حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۵۰۶). در این روایت عنوان (من قتل بین صفین) اطلاق داشته و شامل کسی که در راه دفاع از اسلام کشته شده می‌شود.

اما استدلال به این روایت خالی از مناقشه نیست؛ زیرا همان‌گونه که محقق خوئی فرموده، اگرچه روایت از حیث دلالت تمام به نظر می‌رسد، اما از لحاظ سندی روایتی مقطوع بوده و این احتمال که نقل مذکور فتوای ابی خالد باشد، وجود دارد. البته این روایت برخلاف آنچه در کلام محقق همدانی (۱۴۲۱ق، ج ۵، ص ۱۱۶) آمده مضمهره نیست و شاید منشأ این تعبیر از سوی ایشان کلمه (قال) بوده که مرجع ضمیر آن در روایت ذکر نشده است و شایان ذکر است که محقق خوئی روایات وارده در مورد شهید را نیز قابل استناد نمی‌داند؛ زیرا احتمال

اختصاص این روایات به کسی که در جهاد کشته شده وجود دارد. (خویی، ۱۴۲۶ق، ج ۸، صص ۳۷۶ - ۳۷۷).

### ۵. مصادیقی از جهاد ذبی

با توجه به مطالبی که بیان شد می‌توان به برخی از جنگ‌های دوران معاصر اشاره کرد که لزوم جهاد در آن‌ها بر مبنای فقهی جهاد ذبی استوار است، در ادامه به دو نمونه اشاره می‌نماییم:

مصادیق اول، ظهور گروه تروریستی داعش در خاورمیانه و هجوم به شهرهای اسلامی است که در راستای مقابله با رشد فرهنگ اسلامی توسط استکبار جهانی شکل گرفت. این گروه با دسترسی به سلاح‌های خطرناک و با دامن زدن به اختلافات میان اهل سنت و شیعیان، به عنوان تهدیدی جدی برای امنیت جهانی، عظمت اسلام و عزت مسلمانان تبدیل گردیده است. از جمله اقدامات وحشیانه این گروه تکفیری حمله به کشور عراق به منظور سیطره بر آن بود که با دفاع شجاعانه مردم این کشور به پیروی از فتوای جهاد مرجعیت شیعی مواجه گردید و با جان‌افشانی مردم و گروه‌های مدافع ناکام ماند. این حرکت مردم از بارزترین مصادیق جهاد ذبی در زمان غیبت به شمار می‌رود و کشتگان در این راه شهدای فی سبیل الله بوده و احکام شهدای جهاد ابتدائی بر ایشان نیز جاری است.

مصادیق دوم، از جهاد ذبی در دوران معاصر قضیه فلسطین و نبرد مردم مسلمان آن است. این کشور که از آن به‌عنوان پاره تن اسلام یاد می‌شود سالیانی طولانی است که مورد هجوم دشمن غاصب و کودک کش اسرائیل قرار گرفته و در تمام این مدت، مسلمانان از دفاع و جهاد دست برنداشته‌اند و بر پایه مبنای فقهی یادشده، از طرفی استمرار آن در دفاع از کیان اسلامی امری لازم به شمار می‌رود و از طرف دیگر این مبارزه در قالب جهاد ذبی منحصر به مردم حاضر در فلسطین نیست.

### ۶. نتیجه‌گیری

در این نوشتار ماهیت قیام امام حسین علیه السلام مورد بررسی قرار گرفت و با نگرش فقهی لزوم چنین حرکتی در قالب جهاد ذبی تبیین شد. جهاد به سه قسم دفاعی،

ابتدایی و ذبی تقسیم گردید و روشن شد که قسم اخیر هرچند از حیث معنای لغوی در دایره دفاع قرار می‌گیرد، اما برحسب اصطلاح، شرایط و خصوصیات این‌گونه نبوده و با جهاد دفاعی از جهت متعلق، آثار و احکامش متفاوت است. همچنین تفاوت جهاد ذبی با جهاد ابتدائی نیز بیان و از همین رهگذر به جهاد بر علیه داعش و لزوم مبارزه با آن اشاره شد.

سزاوار است حوزه‌های علمیه، یاوران دین و تمامی کسانی که متولی نشر اسلام هستند، مسلمانان را نسبت به این امر مهم دینی آگاه نموده و عدم جواز غفلت از آن را متذکر گردند، زیرا توجه به لزوم دفاع از کیان اسلام برهر مسلمانی و در هر زمانی واجب است و این امر در حقیقت دژی محکم و رکنی استوار برای بقای سیادت اسلام است. البته در تشخیص موضوع آن دقت و احتیاط بسیاری لازم است.

## فهرست منابع

- قرآن كريم.
- ابن طاووس، رضی اللہ عنہ، اقبال الأعمال الحسنة فيما يعمل مرة في السنة، مكتبة الإعلام الإسلامي.
- (١٤١٤ق)، الملهوف على قتلى الطفوف، قم: دار الأسوة.
- احسائي، محمد بن علي (١٤٠٣ق)، عوالي اللئالي العزيرية في الأحاديث الدينية، قم: چاپخانه سيد الشهداء عليه السلام.
- اصفهاني، محمد بن حسن (فاضل هندی) (١٤١٦ - ١٤٢٤ق)، كشف اللثام عن قواعد الأحكام، قم: مؤسسه نشر اسلامي.
- انصاري، مرتضى (١٣٧٣ش)، صراط النجاة، قم: كنگره شيخ انصاري.
- بحراني، يوسف بن احمد (١٤٠٥ق)، الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، قم: مؤسسه نشر اسلامي.
- جيلاني شفتي، ابوالقاسم بن محمد حسن (١٤١٧ق)، غنائم الأيام في مسائل الحلال والحرام، قم: مركز نشر وابسته به مكتب الإعلام الإسلامي.
- حر عاملي، محمد بن حسن (١٤٢٤ق)، وسائل الشيعة (تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة)، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث.
- حراني، حسن بن علي (١٤١٧ق)، تحف العقول عن آل الرسول عليهم السلام، قم: مؤسسه نشر اسلامي.
- حسيني عاملي، سيد محمدجواد بن محمد (١٤٢٤ق)، مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلماء، قم: مؤسسه نشر اسلامي.
- حلي، حمزة بن علي (١٤١٧ق)، غنية النزوع إلى علمي الأصول والفروع، قم: مؤسسه امام صادق عليه السلام.
- حلي، احمد بن محمد (١٤٠٧ - ١٤١٣ق)، المهذب البارع في شرح المختصر النافع، قم: مؤسسه نشر اسلامي.
- حلي، جعفر بن حسن (١٣٦٤ش)، المعتبر في شرح المختصر، قم: مؤسسه سيد الشهداء عليه السلام.
- (١٣٨٩ق)، شرائع الإسلام في مسائل الحلال والحرام، نجف: مطبعة الآداب.
- (١٤١٦ق)، المختصر النافع، قم: مؤسسه بعثت.
- حلي، حسن بن يوسف (١٤٠٦ق)، نهاية الأحكام في معرفة الأحكام، بيروت: دار الأضواء.
- (١٤١٠ق)، إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان، قم: مؤسسه نشر اسلامي.
- (١٤١١ق)، تبصرة المتعلمين في أحكام الدين، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي.
- (١٤١٢ - ١٤١٨ق)، مختلف الشيعة في أحكام الشريعة، قم: مكتب الإعلام الإسلامي.

- \_\_\_\_\_ (١٤١٢ - ١٤٢٦ق)، منتهی المطالب فی تحقیق المذهب، مشهد: مؤسسه الطبع والنشر فی الروضة الرضویة المقدسة.
- \_\_\_\_\_ (١٤١٤ - ١٤٢٧ق)، تذکرة الفقهاء، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، تهران: مكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
- \_\_\_\_\_ (١٤١٧ق)، خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال، قم: نشر فقاها.
- \_\_\_\_\_ (١٤١٨ق)، قواعد الأحكام، قم: مؤسسه نشر اسلامي.
- \_\_\_\_\_ (١٤٢٠ - ١٤٢٢ق)، تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- \_\_\_\_\_ حلی، محمد بن منصور (١٤١٠ق)، السرائر الحاوی لتحرير الفتاوى، قم: مؤسسه نشر اسلامي.
- \_\_\_\_\_ حلی، یحیی بن احمد (١٤٠٥ق)، الجامع للشرائع، قم: مؤسسه علمی سیدالشهداء علیه السلام.
- \_\_\_\_\_ حمیری، عبدالله بن جعفر (١٤١٣ق)، قرب الإسناد، بیروت: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
- \_\_\_\_\_ ديلمی طبرستانی، حمزة بن عبدالعزيز (١٤١٤ق)، المراسم العلوية فی الأحكام النبوية، بیروت: انتشارات دار الحق.
- \_\_\_\_\_ رازی اصبهانی نجفی، محمدتقی بن محمدرحیم، هداية المسترشدين فی شرح أصول معالم اللّٰین، قم: مؤسسه نشر اسلامي.
- \_\_\_\_\_ سیوری (فاضل مقداد)، مقداد بن عبدالله (١٤٠٤ق)، التنقيح الرائع لمختصر الشرائع، قم: کتابخانه آية الله العظمی مرعشی نجفی علیه السلام.
- \_\_\_\_\_ صدوق، محمد بن علی (١٣٧٧ق)، عيون أخبار الرضا علیه السلام، قم: دار العلم.
- \_\_\_\_\_ (١٣٨٥ق)، علل الشرائع، نجف: کتابخانه و چاپخانه حیدريه.
- \_\_\_\_\_ (١٣٩١ق)، عقاب الأعمال، تهران: مكتبة صدوق.
- \_\_\_\_\_ (١٤١٠ق)، من لا يحضره الفقيه، تهران: دار الكتب الإسلامية.
- \_\_\_\_\_ (١٤١٥ق)، المقنع، قم: مؤسسه امام هادی علیه السلام.
- \_\_\_\_\_ (١٤١٦ق)، النخصال، قم: مؤسسه نشر اسلامي.
- \_\_\_\_\_ (١٤١٨ق)، الهداية، قم: مؤسسه امام الهادي علیه السلام.
- \_\_\_\_\_ صيمري بحراني، مفلح بن حسن (١٤١٧ق)، كشف الالتباس عن موجز أبي العباس، قم: مؤسسه صاحب الأمر عجل الله تعالى فرجه الشريف.
- \_\_\_\_\_ (١٤٢٠ق)، غاية المرام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار الهادي علیه السلام.
- \_\_\_\_\_ طبرسی، احمد بن علی (١٤٢٢ق)، الإحتجاج، قم: دار الأسوة.
- \_\_\_\_\_ طبرسی، فضل بن حسن (١٤١٤ق)، مجمع البيان فی تفسير القرآن، بیروت: دار الفكر.
- \_\_\_\_\_ طبري، محمد بن جرير (١٣٨٧ق)، تاريخ الأمم والملوك (تاريخ طبري)، بیروت: أفست از روی چاپ قاهره.

- طرابلسي، عبدالعزيز بن نحرير (١٤٠٦ق)، المهذب، قم: مؤسسة نشر اسلامي.
- طوسي، محمد بن حسن (١٣٧٨ق)، تهذيب الأحكام في شرح المقنعة، تهران: دار الكتب الإسلامية.
- \_\_\_\_\_ (١٣٨٧ق)، المبسوط في فقه الإمامية، تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
- \_\_\_\_\_ (١٣٩٠ق)، الاستبصار فيما اختلف من الأخبار، تهران: دار الكتب الإسلامية.
- \_\_\_\_\_ (١٣٩٠ق)، النهاية في مجرد الفقه والفتاوى، بيروت: دار الكتاب العربي.
- \_\_\_\_\_ (١٤١٧ق)، الخلاف، قم: مؤسسة نشر اسلامي.
- \_\_\_\_\_ (١٤١٧ق)، الغيبة، قم: مؤسسة معارف اسلامي.
- طوسي، محمد بن علي (ابن حمزه) (١٤٠٨ق)، الوسيلة إلى نيل الفضيلة، قم: كتابخانه آيت الله العظمى مرعشي نجفی رحمته.
- عاملي، زين الدين بن علي (١٤٠٣ق)، الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية، بيروت: دار إحياء التراث العربي.
- \_\_\_\_\_ (١٤١٣ - ١٤١٩ق)، مسالك الإفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، قم: مؤسسة معارف اسلامي.
- \_\_\_\_\_ (١٤٢٢ق)، روض الجنان في شرح إرشاد الأذهان، قم: مركز ابحاث و دراسات اسلامي.
- عاملي، سيد شمس الدين محمد بن علي (١٤١٠ق)، مدارك الأحكام في شرح شرائع الإسلام، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.
- عاملي، محمد بن مكي (١٤١٢ق)، البيان، قم: مؤسسة فرهنگي امام مهدي عليه السلام.
- \_\_\_\_\_ (١٤١٧ق)، الدروس الشرعية في فقه الإمامية، قم: مؤسسة نشر اسلامي.
- \_\_\_\_\_ (١٤١٩ق)، ذكرى الشيعة في أحكام الشريعة، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.
- \_\_\_\_\_ (١٤٠٦ق)، اللمعة الدمشقية في فقه الإمامية، تهران: مركز بحوث الحج والعمرة.
- عجلي، محمد بن منصور (١٤٠٨ق)، مستطرفات السرائر، قم: مدرسة امام مهدي عليه السلام.
- عكبري بغدادي، محمد بن محمد (١٤١٠ق)، المقنعة، قم: مؤسسة نشر اسلامي.
- غروي تبريزي، علي (١٤٢١ق)، التنقيح في شرح العروة الوثقى، قم: مؤسسة احياء آثار امام خوئي.
- فاضل لنكراني، محمد (١٤٣٠ق)، تفصيل الشريعة في شرح تحرير الوسيلة، كتاب الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، قم: مركز فقهی ائمة اطهار عليهم السلام.
- فيض، محمد بن مرتضى (١٤٠١ق)، مفاتيح الشرائع، قم: مجمع ذخائر اسلامي.
- كاشف الغطاء، جعفر (١٤٢٢ق)، كشف الغطاء عن مبهمات الشريعة الغراء، قم: مكتب الإعلام الإسلامي.

- كركي، علي بن حسين (١٤١٤ - ١٤١٥ق)، جامع المقاصد في شرح القواعد، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.
- كليني، محمد بن يعقوب (١٣٨٨ - ١٣٨٩ق)، الكافي، تهران: دار الكتب الإسلامية.
- متقي، علي بن حسام الدين (١٤٠٩ق)، كنز العمال في سنن الأفعال والأفعال، بيروت: مؤسسه الرسالة.
- مجلسي، محمدباقر (بي تا)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، تهران: دار الكتب الإسلامية.
- مقدس اردبيلي، احمد بن محمد (١٤٠٢ - ١٤١٦ق)، مجمع الفائدة والبرهان في شرح إرشاد الأذهان، قم: مؤسسه نشر اسلامي.
- مقدسي حنبلي، عبد الله بن أحمد (١٣٤٧ق)، المغني، بيروت: دار الكتب العلمية.
- موسى خميني، سيد روح الله (١٤٢١ق)، تحرير الوسيطة، قم: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني عليه السلام.
- موسوي عاملي، محمد بن علي (١٤١٣ق)، نهاية المرام في شرح مختصر شرائع الإسلام، قم: مؤسسه نشر اسلامي.
- ميلاني، محمدهادي بن جعفر، محاضرات في فقه الإمامية، مشهد: دانشگاه فردوسي.
- نجفي، حسن (١٤٢٨ - ١٤٣٠ق)، جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، قم: مؤسسه نشر اسلامي.
- نجفي، ضياء الدين (١٤١٤ق)، شرح تبصرة المتعلمين، قم: مؤسسه نشر اسلامي.
- نراقي، احمد (١٤١٥ - ١٤٢٠ق)، مستند الشيعة في أحكام الشريعة، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.
- نوري طبرسي، حسين (١٤٠٨ - ١٤٠٩ق)، مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل وخاتمته، بيروت: مؤسسه آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.
- همداني، محمدهادي (١٤١٧ - ١٤١٨ق)، مصباح الفقيه، قم: مؤسسه الجعفرية لإحياء التراث.
- يزدي طباطبائي، سيد محمدکاظم (١٤٢٢ق)، العروة الوثقى، قم: مركز فقهی ائمه اطهار عليهم السلام.
- يوسفی، حسن ابوطالب (فاضل أبي) (١٤١٧ق)، كشف الرموز في شرح المختصر النافع، قم: مؤسسه نشر اسلامي.